

خرید اظهارنظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی: با رویکرد الگوی معادلات همزمان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۲

■ اسماعیل امیری^۱

■ حسین فخاری^۲

چکیده:

نقش حسابرسی در تعیین کیفیت گزارشگری مالی با اظهارنظر حسابرِس تحقق می‌یابد. لذا، همواره این احتمال وجود دارد که حسابرِس از جهت منافع شخصی، در انجام وظایف خود کوتاهی کرده و اهداف گزارشگری مالی صاحبکار را برای رسیدن به منافع خود دنبال کند. همچنین، مدیران به منظور جلوگیری از پیامدهای نامطلوب اقتصادی گزارشگری مالی در بازار سرمایه، اقدام به فعالیت متقلبانه خرید اظهارنظر حسابرِس می‌کنند تا کیفیت پایین صورت‌های مالی را پنهان کنند. چنین پدیده‌ای می‌تواند بیانگر اثر متقابل بین خرید اظهارنظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی باشد.

به همین دلیل، پژوهش حاضر درصدد است تا با استفاده از الگوی معادلات همزمان اثر متقابل فوق را مورد آزمون قرار دهد. جامعه آماری پژوهش شامل اطلاعات مالی ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که به صورت داده‌های تابلویی در طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷ با روش رگرسیون به ظاهر نامرتبط مورد آزمون قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اثر دوسویه‌ای معکوس و معناداری میان خرید اظهارنظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بورسی وجود دارد. این نتایج می‌تواند برای حسابرسان و همچنین نهادها و سازمان‌های سیاست‌گذار مفید باشد.

واژه‌های کلیدی: خرید اظهارنظر حسابرِس، کیفیت گزارشگری مالی، تئوری نمایندگی، معادلات همزمان.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. نویسنده مسئول، رایانامه: esmaeilamiri303@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: h.fakhari@umz.ac.ir

مقدمه

خرید اظهار نظر حسابرِس از چالش برانگیزترین حوزه‌های مطالعاتی در حوزه حسابرِس و حسابداری است و به شدت از سوی نهادهای نظارتی (کمسیون بورس و اوراق بهادار امریکا، ۱۹۸۸^۱، هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام امریکا، ۲۰۱۳^۲) مورد انتقاد و بحث جدی قرار گرفته است. زیرا، از یک جهت می‌تواند نشان‌دهنده انگیزه‌هایی باشد، که حسابرسان را تشویق می‌کند که به جای توجه به منافع سرمایه‌گذاران به منافع صاحبکاران توجه کنند. و از سوی دیگر می‌تواند نشان‌دهنده انگیزه‌هایی باشد که مدیران را وادار می‌کند تا به دنبال خرید اظهار نظر مطلوب از حسابرسان باشند. بدیهی است که چنین اقدامی بر کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی تأثیر می‌گذارد و از قابلیت اتکای صورت‌های مالی می‌کاهد (ژ و همکاران، ۲۰۱۰^۳).

اساساً "مطابق با تئوری نمایندگی"، خرید اظهار نظر حسابرِس به تلاش مدیران اطلاق می‌شود که در جستجوی حسابرسانی هستند تا از اظهار نظر نامطلوب آنها درباره کیفیت پایین اطلاعات صورت‌های مالی جلوگیری نمایند (کمسیون بورس و اوراق بهادار امریکا، ۱۹۸۸). زیرا انتظار می‌رود، اظهار نظری که حسابرسان درباره صورت‌های مالی صاحبکار ارائه می‌کنند بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان اثرات زیادی داشته باشد. به گونه‌ای که استفاده‌کنندگان، به اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی شده اعتماد کرده و انتظارات خود را بر اساس منافع اقتصادی آتی از سرمایه‌گذاری و یا توانایی بازپرداخت اصل و فرع دیون، تبیین می‌کنند. این جریان مسئله نشان می‌دهد که اظهار نظر حسابرِس می‌تواند سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را از طریق مشکلاتی که بر تفسیر اطلاعات حسابداری تأثیر می‌گذارد، آگاه کند و باعث اعتباربخشی به صورت‌های مالی شود.

همچنین، مطالعات انجام شده در حوزه حسابداری نیز بیانگر چنین کارکردی از اظهار نظر حسابرسان می‌باشد، برای مثال، فلیک و ویلسون (۱۹۹۴)^۴ در پژوهش خود نشان دادند که اظهار نظر نامطلوب حسابرِس به کاهش قیمت سهام منجر می‌شود؛ شاید به این دلیل که، نظرات آنها ورشکستگی قریب‌الوقوع را نشان می‌دهد (چن و چارچ، ۱۹۹۶)^۵ و همچنین شرکت در جذب منابع سرمایه با دشواری مواجه است (فرت، ۱۹۸۰)^۶. همچنین ادبیات حسابرسی نشان می‌دهند که اظهار نظر نامطلوب حسابرِس باعث کاهش پاداش یا منجر به تغییر مدیریت می‌شود (لینوکس، ۲۰۰۲)^۷. بالتبع بازار سرمایه نیز تحت تأثیر رفتار اظهار نظر حسابرسان قرار می‌گیرد؛ چرا که کیفیت اطلاعاتی که روانه بازار می‌شود، می‌تواند بر حفظ موقعیت شغلی و بازار تخصصی کار

1. Securities and Exchange Commission
2. The Public Company Accounting Oversight Board
3. Xie
4. Fleak & Wilson
5. Chen & Church
6. Firth
7. Lennox

مدیریت تأثیر بسزایی داشته باشد و به همین خاطر است که مدیران درصددند تا کیفیت ضعیف گزارشگری مالی را از طریق روش‌های خاص با تبانی با حسابرسان پنهان نگه‌دارند. و جهت دست‌یابی به اظهار نظر مطلوب حسابرِس، تلاش‌های بی‌حد و حصری را انجام می‌دهند یا به عبارتی دیگر، به دنبال خرید اظهار نظر حسابرِس باشند. به بیان دیگر، مدیران به منظور اجتناب از اظهار نظر نامطلوب حسابرِس (کمیسیون بورس و اوراق بهادار، ۱۹۸۸) حسابرِس را تحت فشار قرار می‌دهند تا مطابق با خواسته‌هایشان رفتار کنند تا به اظهار نظر خود بهبود بخشند (لینوکس، ۲۰۰۰). اما اینکه چگونه مدیران به این امر دست می‌یابند و یا چه شرایطی باعث می‌شود که به راحتی حسابرسان به خواسته‌های اهداف نامطلوب گزارشگری مالی مدیران پاسخ دهند؟ سؤالاتی هستند که در ادبیات حسابداری و حسابرسی (مک‌کنون و همکاران،^۱ ۱۹۹۱، لوروز، ۱۹۹۸،^۲ لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، باربادیلو^۳ و همکاران، ۲۰۰۶، چوی^۴ و همکاران، ۲۰۱۶، چن^۵ و همکاران، ۲۰۱۸، گارسیا اوسما^۶ و همکاران، ۲۰۱۸) از طریق پژوهش‌های انجام شده است به نوعی پاسخ داده شده است، به گونه‌ای که برآیند همه آنها بیانگر این مطلب است که وقوع خرید اظهار نظر حسابرِس اهداف خاص گزارشگری مطلوب مدیران را دنبال کرده (کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا، ۱۹۹۸) و انتظار می‌رود متعاقب آن کیفیت گزارشگری مالی کاهش یابد. در خصوص اثر معکوس و دسویه‌ای میان خرید اظهار نظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی، دلایل متعددی در ادبیات حسابرسی و حسابداری وجود دارد:

دلیل اول مربوط به هزینه نمایندگی (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵، دی‌اندرس^۷ و همکاران، ۲۰۰۷، تافلر^۸ و همکاران، ۲۰۰۴، لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳) است. بدین معنی که مدیران در پی حسابرسانی هستند که در انجام کارشان ملایم‌تر هستند. احتمالاً به این خاطر است که این نوع حسابرسان موارد تخلف در صورت‌های مالی را نادیده بگیرند و گزارش نکنند، به عبارتی دیگر، کیفیت پایین صورت‌های مالی را پنهان نگه دارند.

دلیل دیگر مربوط به پدیده عدم تقارن اطلاعاتی است. بدین معنی که مدیران از طریق دست‌یابی در بهبود در اظهار نظر حسابرِس، میزان عدم تقارن اطلاعاتی (آمیهود و مندلسون، ۱۹۸۶، دیاموند و ورچیا،^{۱۰} ۱۹۹۱، ایزلی و اوهارا،^{۱۱} ۲۰۰۴، گلستن و میلگروم،^{۱۲} ۱۹۸۵) را برای دست‌یابی به

1. McKeown
2. Louwers
3. Barbadillo
4. Choi
5. Chen
6. Garcia Osma
7. DeAndrés
8. Taffler
9. Amihud & Mendelson
10. Diamond & Verrecchia
11. Easley & O'Hara
12. Glosten & Milgrom

اهداف و منافع خود تشدید می‌کنند. برای مثال مدیران، به‌منظور پنهان کردن ضعف عملکرد خود در پی تغییر حسابرِس یا حفظ حسابرِس فعلی هستند تا با متقاعد کردن حسابرِس به اظهارنظر مطلوبی دست یابند.

ازسوی دیگر، سطح ریسک‌پذیری حسابرِس نیز دلیل دیگری برای وقوع خرید اظهارنظر می‌باشد. به این معنا که مدیران به‌منظور حداقل کردن اختلاف‌نظر در بکارگیری رویه‌های حسابداری مربوط به گزارشگری مالی، ترجیح می‌دهند در جستجوی حسابرسانی باشند که محافظه‌کاری کمتری داشته باشند و براحتمال به خواسته‌های آنها تن دهند (دویدسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۵، چن و همکاران، ۲۰۱۸). چرا که انتظار می‌رود قبول این رویه‌ها توسط حسابرسان، ریسک دادخواهی زیادی را برای آنها به دنبال داشته باشد.

علاوه بر این، جریان گسترده‌ای از ادبیات حسابداری (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱^۲، هیلی و پالپو، ۲۰۰۱^۳، واتز، ۲۰۰۳^۴، بال و شیواکومار، ۲۰۰۵^۵) استدلال کردند که کیفیت پایین گزارشگری مالی، میزان عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی ناشی از انتخاب نامطلوب و خطر اخلاقی را افزایش داده و از کارایی سرمایه‌گذاری می‌کاهد، جریانی که منجر به افزایش مشکلات بیش از حد در جذب تأمین منابع مالی شرکت‌ها می‌شود. لذا از آنجایی که نتایج نامطلوب گزارشگری مالی، اخبار بدی برای تأمین‌کنندگان سرمایه شرکت است (هولمستروم و تیرول، ۱۹۹۳)^۶، مدیران نیز درصدد هستند تا با تحت فشار قرار دادن حسابرسان به اهداف گزارشگری مالی به‌ظاهر مطلوب دست یابند (لینوکس، ۲۰۰۰) تا کیفیت نامطلوب اطلاعات حسابداری را بهبود بخشند، عبارتی دیگر، به دنبال بهبود در اظهارنظر حسابرِس از طریق خرید اظهارنظر حسابرِس هستند. این ادبیات نشان می‌دهد که اثرات متقابلی بین خرید اظهارنظر و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد.

وجود چنین چالش‌های نظری به همراه تأکید دولت بر استمرار سیاست خصوصی‌سازی حرفه حسابرسی و همچنین افزایش سریع رقابت در بازارهای حسابرسی ایرانی به همراه انگیزه‌های مدیریتی سبب شده‌اند تا در سال‌های اخیر شاهد فعالیت متقابلانه خرید اظهارنظر حسابرِس باشیم. به‌گونه‌ای که در سال‌های اخیر تعداد اظهارهای انضباطی جامعه حسابرسان رسمی و دادخواهی‌های قضایی ذینفعان در ایران افزایش یافته است.

به همین سبب و با توجه به چالش‌های نظری و تئوریک موجود در خصوص اثر متقابل بین خرید اظهارنظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی، این پژوهش با استفاده از الگوی معادلات همزمان درصدد بررسی این موضوع در بازار حسابرسی ایران است.

1. Davidson
2. Bushman& Smith
3. Healy& Palepu
4. Watts
5. Ball& Shivakumar
6. Holmstrom& Tirole

همچنین در خصوص اهمیت یافته‌های پژوهش حاضر از چندین جهات می‌توان بحث کرد، جنبه اول مربوط به اثرات اقتصادی پیامدهای نامطلوب خرید اظهارنظر حسابرِس است که وقوع آن باعث می‌شود رفتار سرمایه‌گذاران نسبت به پرتفوی دارایی‌هایشان تغییر نماید؛ که به‌نوبه خود قیمت‌های اوراق بهادار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جنبه دوم اثرات اجتماعی است که قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران در حوزه حسابرسی و مقررات بازار سرمایه را وادار خواهد کرد که به‌منظور جلوگیری از عواقب و پیامدهای منفی خرید اظهارنظر حسابرِس بر کیفیت گزارشگری مالی مقرراتی وضع نمایند که اعتماد جامعه نسبت به حرفه حسابرسی و گزارشگری مالی افزایش یابد.

جنبه سوم ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر به مدیران شرکت‌ها مربوط می‌باشد؛ چرا که کوتاهی در انجام وظایف شغلی و تبانی با حسابرسان باعث از دست دادن موقعیت شغلی آنها خواهد شد.

جنبه چهارم از بابت کاهش شهرت حسابرسان در جامعه و حرفه خواهد بود؛ چراکه با سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و آئین رفتار حرفه‌ای، استقلال آنها خدشه‌دار شده و با کاهش کیفیت کار حسابرسی اعتبار آنها در جامعه کم خواهد شد و آسیب شدیدی به کیفیت اعتبار صورت‌های مالی شرکت وارد می‌شود. به بیان دیگر، قابلیت اطمینان دهی و اعتباردهی صورت‌های مالی از بین می‌رود.

از جنبه‌های نوآوری این تحقیق که آن را از دیگر تحقیقات مشابه در داخل و خارج متمایز می‌سازد این است که برای اولین بار با استفاده از الگوی معادلات همزمان اثر متقابل بین خرید اظهارنظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی بررسی شده است. جنبه دوم مربوط به این مطلب است که برای اندازه‌گیری هر دوی خرید اظهارنظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی از شاخص ترکیبی استفاده شده است که در پژوهش‌های گذشته بیشتر به معیارهای تک بُعدی در خصوص اندازه‌گیری آنها تکیه شده بود. این مسئله نشان از این دارد که شاخص‌های ترکیبی به دلیل داشتن ابعاد بیشتر باعث اندازه‌گیری دقیق‌تر پدیده مورد بررسی خواهند شد. جنبه سوم نوآوری پژوهش حاضر در این است که پژوهش حاضر اولین پژوهشی است که پدیده خرید اظهارنظر حسابرِس را با معیارهای کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌دهد. بدیهی است یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند موجب گسترش ادبیات حسابرسی و حسابداری مرتبط با موضوع پژوهش در کشورهای با اقتصادهای نوظهور همانند ایران شود.

به‌منظور دستیابی به اهداف فوق، ساختار پژوهش به ترتیب زیر نگارش شده است. در بخش پیشینه نظری اثر تئوریک متقابل بین خرید اظهارنظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی مورد بحث قرار گرفته است. در بخش پیشینه تجربی به پژوهش‌های داخلی و خارجی گذشته مربوط به موضوع پژوهش حاضر پرداخته شده است؛ در نهایت با بیان روش پژوهش و ارائه یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری خاتمه یافته است.

مبانی نظری و تدوین فرضیه‌های پژوهش خرید اظهارنظر حسابرِس

خرید اظهارنظر حسابرِس، به حالتی اطلاق می‌شود که در آن حسابرِس مطابق با خواسته‌های صاحبکار، گزارش حسابرسی را تنظیم می‌نماید و به‌جای توجه به منافع سرمایه‌گذاران به منافع مدیریت که حق‌الزحمه آنها را پرداخت می‌کند، توجه می‌نماید (لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳). اصولاً این وضعیت در شرایطی اتفاق می‌افتد که هزینه نمایندگی وجود داشته باشد (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵). برحسب تئوری نمایندگی (دی‌اندرس و همکاران، ۲۰۰۷، تافلر و همکاران، ۲۰۰۴، لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳)، مدیران برای دستیابی به خواسته‌هایشان، حسابرسان را تحت فشار قرار می‌دهند تا اظهارنظر مطلوبی اخذ نمایند و در صورت عدم اجرای آن، حسابرسان را به این امید که حسابرِس جدید تمایل بیشتری به انتشار گزارش مطلوب داشته باشد، تغییر می‌دهند (لینوکس، ۱۹۹۸، تیوه، ۱۹۹۲). در چنین وضعیتی مدیران به دنبال حسابرسی باکیفیت پایین‌تر هستند. لذا حسابرسی باکیفیت پایین‌تر، باعث می‌شود تا کیفیت اطلاعاتی که در بازارهای مالی افشاء می‌شوند، کاهش یابد. در واقع، مدیران با رویکرد فرصت‌طلبانه از نامتقارنی اطلاعات برای منافع خود استفاده می‌کنند. برای مثال، مدیر امکان دارد سود را به‌صورت متورمی گزارش کند تا بتواند پاداش بیشتری مبتنی بر افزایش سود دریافت کند. به این دلیل مدیر خواستار حسابرسی باکیفیت بالاتر نیست. همچنین، خرید اظهارنظر حسابرِس می‌تواند تحت تأثیر رویکرد محافظه‌کارانه حسابرسان قرار گیرد. در واقع، در اینجا تمایل مدیر برای تغییر حسابرِس به منزله تحریف سود نمی‌باشد. بلکه زمانی تغییر حسابرِس اتفاق می‌افتد که مدیران و حسابرسان به‌طور قانونی اختلاف‌نظر دارند و اختلاف آنها ناشی از روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌ای است که توسط حسابرِس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و ترجیح داده می‌شود. در این مواقع، مدیریت صرفاً خواستار گزارشگری با محافظه‌کارانه کمتر است که عملکرد اقتصادی شرکت را بهتر نشان دهد لذا آنها حسابرسی را انتخاب می‌کنند که محافظه‌کاری کمتری داشته باشد (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵ و چن و همکاران، ۲۰۱۸).

همچنین ممکن است مدیران به دلیل پیامدهای منفی پیش‌بینی‌نشده از اظهارنظر نامطلوب حسابرسان (دی‌اندرس و همکاران، ۲۰۰۸، تافلر و همکاران، ۲۰۰۴، لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳)، برای دستیابی به خواسته‌هایشان، حسابرسان را تحت فشار قرار دهند تا اظهارنظر مطلوب صادر کنند، در صورت عدم ایفای نقش، آن‌ها حسابرسان را به این امید تغییر می‌دهند که حسابرِس جدید تمایل بیشتری به انتشار گزارش مطلوب داشته باشد (لینوکس، ۱۹۹۸، تیوه، ۱۹۹۲). در واقع اینها به معنای رفتارهای است که خرید اظهارنظر حسابرِس در آن اتفاق می‌افتد و به استقلال حسابرِس آسیب شدیدی می‌رساند (چن و همکاران، ۲۰۱۸، چوی و همکاران، ۲۰۱۹، لو، ۲۰۰۶). به بیان دیگر، فشار مدیران باعث می‌شود که حسابرِس نظر مساعدی نسبت

1. Teoh

2. Lu

به آنچه که نبوده صادر کند (لینوکس، ۲۰۰۰).

کیفیت گزارشگری مالی و خرید اظهار نظر حسابرِس

دلایل زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه مدیران انگیزه دارند تا به منظور پنهان سازی کیفیت ضعیف گزارشگری مالی به خرید اظهار نظر حسابرِس روی آورند. برخی از این دلایل مربوط به منافع شخصی خود مدیران است، خصوصاً هنگامیکه اهداف خود را پایین تر از سطح دست یابی به پاداش مورد نظر می ببیند و بلافاصله به افزایش نامتعارف در سود روی می آورند تا با یک اهداف برآوردی به پاداش مورد نظر دست یابند (هیلی، ۱۹۸۵، گایدی، ۱۹۹۹). اگرچه تحقق این اهداف هیچ سودی برای سهامداران ندارد اما ضرری معادل پاداش برای آنها به دنبال خواهد داشت.

نظریه انگیزه شخصی مدیران، نشان می دهد که مدیران با انگیزه برای رسیدن به نتیجه گزارشگری مالی دلخواه، از استراتژی هایی استفاده می کنند که به اهداف خود از طریق اظهار نظر مطلوب حسابرِس دست یابند. این تئوری همچنین نشان می دهد که مدیران از آزادی کامل در اخذ تصمیمات برخوردار نیستند. در حقیقت، نظریه انگیزه شخصی بیان می کند که مدیران برای تصمیم گیری خود توجیهاتی به ظاهر عینی مطرح می کنند تا بتوانند موسسه حسابرِس را ترغیب نمایند تا عملکرد ضعیف آنها را در گزارشگری مالی نادیده بگیرند، تا اهداف گزارشگری محافظه کارانه حسابرِس همراه با اهداف مدیران در خرید اظهار نظر حسابرِس همسو شود (چن و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین، مطابق با تئوری علامت دهی، وقتی که صاحبکار می خواهد کیفیت یا اعتبار ضعیف صورت های مالی خود را پنهان کند و وضعیت مطلوبی از آن را به عموم منتقل یا سیگنال دهد، حسابرسانی را انتخاب می کند که اهداف گزارشگری مالی آنها را دنبال کنند (باقرپور و همکاران، ۲۰۱۰)، مسئله ای که می تواند بازتابی از خرید اظهار نظر حسابرِس باشد.

از سوی دیگر، مطالعات متعددی نشان دادند که کاهش کیفیت گزارشگری مالی باعث افزایش تضاد منافع بین مدیران و سرمایه گذاران می شود و میزان عدم تقارن اطلاعاتی را بیشتر می کند (برگر و ادل، ۱۹۹۸^۲، بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱) و همچنین باعث افزایش هزینه سرمایه (دایاموند و ورچیا، ۱۹۹۱) و افزایش حساسیت جریان نقد سرمایه گذاری (بیدل و هیلاری، ۲۰۰۶)^۳ می شود. همچنین مطالعات پیشین (لینوکس، ۲۰۰۰، گوه و گوپتا، ۲۰۱۰^۴، تانگ، ۲۰۱۱، دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵) نشان دادند که مدیران به منظور پنهان کردن کیفیت پایین گزارشگری مالی حسابرسان را تحت فشار (اخراج یا برکناری) قرار می دهند تا آنها مطابق با خواسته ها و نظراتشان عمل کنند؛ برای مثال، لینوکس (۲۰۰۰) با ارائه شواهدی استدلال کرد صاحبکاران در شرکت های ورشکسته به دلیل کیفیت پایین گزارشگری مالی، میزان وابستگی اقتصادی حسابرِس را از طریق

1. Guidry
2. Berger& Udell
3. Biddle& Hilary
4. Goh& Gupta

پاداش‌ها و یا اعطای امتیازات مالی خاص به خود بیشتر می‌کنند؛ در این مواقع، صاحبکاران در خرید نظر حسابرِس، موفق هستند. گوه و گوپتا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای یافتند که مدیران شرکت‌ها در پی دستیابی به اهداف و پاداش خود در خرید اظهارنظر حسابرِس موفق هستند و بر اثر این عامل کیفیت گزارشگری مالی این شرکت‌ها کاهش یافته است. در پژوهش دیگری ژئی و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها پس از اخذ اظهارنظر مطلوب از حسابرِس از طریق پرداخت حق‌الزحمه‌های غیرعادی، کاهش یافته است. همچنین این رفتار باعث تشدید بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه‌گذاران شده است. در مطالعه‌ای دیگر، دویدسون و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند، شرکت‌هایی که در آنها خرید اظهارنظر حسابرِس صورت گرفته است، مدیریت سود بیشتری تجربه کرده‌اند و حسابرسان را به منظور پنهان کردن عملکرد نامطلوب شرکت تغییر داده بودند و به این دلیل کیفیت گزارشگری مالی این شرکت‌ها کاهش یافته است. قدر مسلم چنین پیامدهای منفی خرید اظهارنظر حسابرِس باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و استفاده‌کنندگان می‌شود. بنابراین، طبق تئوری‌های فوق انتظار می‌رود که مدیران برای پیدا کردن راهی که کیفیت ضعیف گزارشگری مالی را از طریق اظهارنظر نامطلوب منعکس می‌کند جلوگیری نمایند. در واقع، آن‌ها تلاش بی‌حد و حصری انجام می‌دهند، تا حسابرسان را تحت فشار قرار دهند که با روش‌های فعلی حسابداری توافق و سازگاری داشته باشند به بیان دیگر، کیفیت ضعیف گزارشگری مالی شرکت را پنهان کنند. بر این اساس، فرضیه اول به شرح زیر طرح شده است:

فرضیه اول: کیفیت گزارشگری مالی بر خرید اظهارنظر حسابرِس اثر معناداری دارد.

خرید اظهارنظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی

مطابق با تئوری نمایندگی، انتظار می‌رود خرید اظهارنظر حسابرِس، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را کاهش دهد؛ و مطابق با این تئوری همواره این احتمال وجود دارد که حسابرسان در راستای انجام وظایف خود کوتاهی کرده و اهداف گزارشگری مالی صاحبکار را برای رسیدن به منافع خود دنبال کنند؛ عملی که مسئولیت اصلی حسابرسان در اعتباردهی به صورت‌های مالی را خدشه‌دار کرده و پیامدهای نامطلوب اقتصادی بر تصمیمات استفاده‌کنندگان دارد (لینوکس، ۲۰۰۰، لو، ۲۰۰۶، ژئی و همکاران، ۲۰۱۰). در همین خصوص، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (۱۹۸۸) بیان می‌کند هنگامی که مدیر اهداف گزارشگری مالی خود را همراه با منافع سرمایه‌گذاران نمی‌بیند در جستجوی حسابرسانی است که تمایل دارند از روش‌های پیشنهادی حسابداری شرکت حمایت کرده و شرکت را در رسیدن به اهداف گزارشگری مالی خود کمک کنند؛ عملی که سبب می‌شود تا قابلیت اعتماد و کیفیت گزارش‌های مالی از بین رود. این جریان ادبیات حسابداری و حسابرسی نشان می‌دهد که کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها بر اساس اهداف و منافع مدیران از طریق ارائه اظهارنظر مطلوب توسط حسابرسان، کاهش می‌یابد. در این باره، ژئی و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که مدیران با استفاده از روش‌های خاص، کیفیت

اطلاعات حسابداری را از طریق تاثیرگذاری یا حتی دستکاری در تصمیمات حسابرِس بی‌اعتبار می‌کنند. بعبارتی دیگر، اگر چنین رفتاری از حسابرسان سر بزند، منجر به درجه بالاتری از عدم‌تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران خواهد شد و اثر اعتباردهی اظهارنظر حسابرسان برای صورت‌های مالی نزد سرمایه‌گذاران تضعیف خواهد شد. در همین خصوص دویدسون و همکاران (۲۰۰۵) و چن و همکاران (۲۰۱۸) معتقدند که خرید اظهارنظر حسابرِس از طریق دو رویکرد فرصت‌طلبانه و محافظه‌کارانه مدیر باعث کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. در رویکرد فرصت‌طلبانه مدیر درصدد است تا با استفاده از توزیع نابرابر اطلاعات به خواسته‌های شخصی خود نظیر پاداش بیشتر دست یابد که این رویکرد باعث کاهش کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود؛ زیرا قابلیت اتکای اطلاعات مالی و کیفیت افشای اطلاعاتی که در بازار انتشار می‌یابد؛ کاهش می‌یابد.

اما در رویکرد محافظه‌کارانه مدیران و حسابرسان درباره روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه اختلاف‌نظر دارند. چرا که حسابرسان خواستار گزارشگری محافظه‌کارانه‌تری به دلیل کاهش ریسک دادخواهی و یا ریسک تجاری هستند در حالیکه مدیران صرفاً خواستار گزارشگری با محافظه‌کاری در سطح معتدل‌تری هستند؛ لذا آنها در جستجوی حسابرسانی هستند که کمتر محافظه‌کار باشند و براحتی به اهداف گزارشگری خود دست یابند (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵، چن و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین، خرید اظهارنظر حسابرِس پیامد نامطلوبی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد؛ به طوریکه اعتبار کیفیت اطلاعات حسابداری به حداقل می‌رسد، و عدم‌تقارن اطلاعاتی بر اساس خواسته‌های مدیران بیشتر تشدید خواهد شد. به این ترتیب، فرضیه دوم به شرح زیر قابل طرح است:

فرضیه دوم: خرید اظهارنظر حسابرِس بر کیفیت گزارشگری مالی اثر معناداری دارد.

پیشینه تجربی پژوهش

ادبیات حسابرسی در بردارنده پژوهش‌های متعددی در خصوص خرید اظهارنظر حسابرِس که تنها ابعاد خاصی از موضوعات حسابداری را مورد بررسی قرار داده‌اند، می‌باشد. با توجه به اینکه موضوع مورد بررسی در این پژوهش از تازگی روش پژوهش (معادلات همزمان) برخوردار است؛ لذا تحقیق مشابهی در این خصوص وجود ندارد با وجود این، در ادامه به پژوهش‌های مرتبط به موضوع خرید اظهارنظر حسابرِس در داخل و خارج پرداخته‌شده است.

لینوکس (۲۰۰۰) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداخت آیا شرکت‌ها در خرید اظهارنظر حسابرِس موفق هستند یا نه؟ آن‌ها با مطالعه بر روی شرکت‌های انگلیسی نشان دادند که مدیران با تغییر حسابرسان از اظهارنظر نامطلوب جلوگیری می‌کنند و با این رفتار در خرید اظهارنظر حسابرِس مشارکت می‌کنند. علاوه بر این، لینوکس (۲۰۰۰) در پژوهشی دیگر اثر مسئله تداوم فعالیت بر خرید اظهارنظر حسابرِس را مورد مطالعه قرار داد. یافته‌های پژوهش او نشان داد حق‌الزحمه حسابرسی، اندازه حسابرِس و صاحبکار هیچ رابطه معناداری با اظهارنظر راجع به

تداوم فعالیت ندارند. همچنین گزارش حسابرِس تحت تأثیر وابستگی به صاحبکار قرار نمی‌گیرد. یافته‌های دیگر نشان داد هنگامی که شرکت‌ها با استراتژی هدفمند، حسابرِس جدیدی منصوب می‌کنند کمتر احتمال دارد اظهارنظر نامطلوبی درباره تداوم فعالیت شرکت صادر نماید. این نشان می‌دهد شرکت‌های ورشکسته برای خرید اظهارنظر حسابرِس تلاش‌های زیادی را انجام می‌دهند. همچنین لینوکس (۲۰۰۲) در پژوهشی دیگر اثر کمیته حسابرِس بر خرید اظهارنظر حسابرِس را مورد مطالعه قرار داد. یافته‌های پژوهش او نشان داد که کمیته حسابرِس از مشارکت شرکت در خرید اظهارنظر حسابرِس جلوگیری می‌کند و کمیته حسابرِس به حفظ یکپارچگی فرآیند گزارش حسابرِس کمک می‌کند.

در مطالعات دیگری، دویدسون و همکاران (۲۰۰۵) ارتباط بین مدیریت سود و خرید اظهارنظر حسابرِس با تأکید بر تغییر حسابرِس را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که مدیریت سود برای شرکت‌های که خرید اظهارنظر حسابرِس داشته‌اند بیشتر است و شرکت‌ها با تغییر حسابرِس به اظهارنظر مطلوب دست یافته‌اند. در پژوهشی دیگر، تانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۱) تأثیر جلوگیری از زیان و حق‌الزحمه غیرعادی را بر رفتار مدیران در خرید اظهارنظر حسابرِس مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد با افزایش حق‌الزحمه غیرعادی، بهبود در اظهارنظر حسابرِس افزایش یافته است. همچنین شرکت‌ها با محافظه‌کاری در گزارشگری زیان در دو سال متوالی، بهتر توانستند در خرید اظهارنظر حسابرِس موفق باشند. نیتون^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی خود به بررسی اینکه چه میزان مشتریان موسسه‌های حسابرِس در خرید اظهارنظر موفق هستند؟ و آیا رقابت بازار حسابرِس به این موضوع کمک می‌کند؟ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مشتریان در خرید اظهارنظر موفق هستند و خرید اظهارنظر عمدتاً در بازارهایی که در آنها رقابت حسابرِس زیاد است بیشتر رخ می‌دهد؛ همچنین آنها نشان دادند که با اخراج حسابرسان خرید اظهارنظر، بیشتر اتفاق می‌افتد.

چن و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی اثر تغییر حسابرِس بر خرید اظهارنظر حسابرِس را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که شرکت برای اجتناب از اظهارات نامطلوب تداوم فعالیت به تغییر حسابرِس روی می‌آورند و تغییر حسابرِس منجر به بهبود اظهارنظر شده است. همچنین آنها یادآوری کردند که خرید اظهارنظر حسابرِس رویکردی فرصت‌طلبانه نیست بلکه انگیزه اطلاعاتی دارد.

علی‌رغم وجود تحقیقات متنوع خارجی درباره خرید اظهارنظر حسابرِس، در داخل کشور مطالعات محدودی مرتبط با موضوع پژوهش انجام شده که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود:

آقایی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی رابطه بین تعدیل اظهارنظر حسابرِس و زمان‌بندی افشای اطلاعات را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد شرکت‌هایی که افول در اظهارنظر حسابرِس را تجربه کرده‌اند، گزارش‌های مالی خود را دیرتر از سال قبل منتشر می‌کنند

1. Tang
2. Newton

و این رابطه به اندازه تغییر در اظهارنظر حسابرِس ارتباط دارد. اما شواهدی مبنی بر تأثیر بهبود در اظهارنظر حسابرِس بر به موقع بودن سود یافت نشد.

پیری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و نوع اظهارنظر حسابرِس را مورد آزمون قرار دادند. یافته های پژوهش آنها نشان داد پایداری سود و کیفیت افشاء با نوع اظهارنظر حسابرِس رابطه معناداری دارند؛ ولی کیفیت اقلام تعهدی و دقت اطلاعات مالی با نوع اظهارنظر حسابرِس رابطه معناداری ندارد. آن ها دلیل این نتایج را به معیارهای حسابرسان که بر اساس استانداردهای حسابرِس رسیدگی و اظهارنظر می کنند، ربط دادند.

حاجی ها و ابراهیمی (۱۳۹۵) در پژوهشی تأثیر نوع اظهارنظر و بهبود در اظهارنظر حسابرِس بر قیمت و حجم معاملات سهام را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد، نوع اظهارنظر رابطه مثبتی با قیمت و حجم معاملات سهام شرکت ها دارد. همچنین بهبود در اظهارنظر حسابرِس رابطه مثبتی با قیمت و حجم معاملات سهام دارد. به طور کلی نتایج بیانگر این است که گزارش های حسابرِس دارای محتوای اطلاعاتی است و سرمایه گذاران در تصمیم گیری های خود، به نوع و تغییر در اظهارنظر حسابرِس توجه دارند.

صفرزاده و بیگ پناه (۱۳۹۵) در پژوهشی بهبود در اظهارنظر حسابرِس مستقل و به موقع بودن گزارش های مالی سالانه را بررسی کردند. محققین دریافتند که بهبود و شدت بهبود در اظهارنظر حسابرِس بر زمان گزارشگری مالی تأثیرگذار است. به طور کلی، نتایج نشان داد که بهبود در اظهارنظر حسابرِس، تسریع در گزارشگری مالی را در پی دارد.

خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تأثیر تغییرات اظهارنظر حسابرِس بر به موقع بودن افشاء را بررسی کردند. نتایج بدست آمده نشان داد، تغییر در اظهارنظر حسابرِس بر به موقع بودن افشاء تأثیرگذار است؛ به طوری که، بهبود اظهارنظر حسابرِس سبب افزایش به موقع بودن افشاء (کاهش تأخیر گزارشگری مالی) و بدتر شدن اظهارنظر حسابرِس سبب کاهش به موقع بودن افشاء (افزایش تأخیر گزارشگری مالی) می شود. آن ها در نهایت به این نتیجه رسیدند که تغییر اظهارنظر حسابرِس باعث بهبود در گزارشگری مالی می شود.

امیری و فخاری (۱۳۹۹) در پژوهشی به ارائه شاخص ترکیبی برای سنجش خرید اظهارنظر در شرکت های ایرانی دست یافتند. آن ها وقوع خرید اظهارنظر را از طریق ترکیب هفت شاخص، محاسبه کرده و به وزن هریک از این شاخص ها در اندازه گیری خرید اظهارنظر رسیدند، که در پژوهش حاضر نیز از شاخص ترکیبی آنها جهت سنجش خرید اظهارنظر استفاده شده است.

مرور ادبیات مربوط به پیشینه پژوهش نشان داده است که علیرغم وجود ارتباط دو سویه بین خرید اظهارنظر و کیفیت گزارشگری مالی، پژوهشی تاکنون به بررسی این موضوع نپرداخته است. بر همین اساس در این پژوهش درصددیم تا به بررسی اثر متقابل بین این دو متغیر بپردازیم.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ نتیجه از نوع کاربردی است. وداده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی موجود در سایت‌های کدال استخراج شده است. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای انتخاب جامعه غربالگری شده محدودیت‌های زیر اعمال شده است:

- قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۱۳۹۷ نماد آنها از تابلو معاملات حذف نشده باشد.
 - به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه باشد و شرکت‌ها طی دوره زمانی پژوهش، تغییر سال مالی نداده باشند.
 - داده‌های مورد نیاز این پژوهش موجود باشد.
 - جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک و بیمه نباشند.
- پس از اعمال شرایط فوق تعداد ۱۲۷ شرکت به‌عنوان جامعه آماری غربالگری شده انتخاب شد.

الگوی انتخاب مناسب برای مدل

به‌منظور آزمون تجربی فرضیه‌های پژوهش، به تدوین مدلسازی با استفاده از فن الگوی معادلات همزمان پرداخته شده است. زیرا، مطابق با ادبیات حسابرِس و حسابداری مالی اثر دو سویه‌ای و متقابل میان خرید اظهارنظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. به همین خاطر، از رابطه‌های رگرسیون‌های چندگانه با لحاظ متغیرهای درون‌زایی و برون‌زایی که هر یک در معادلات نقش مشابهی را بازی می‌کنند، بهره گرفته شده است. برای روشن‌تر شدن موضوع الگوی معادلات همزمان، روابط زیر را در نظر بگیرد:

$$Y_{it} = \pm + {}^2_1 Z_{it} + {}^2_2 X_{it} + \mu_{it} \quad (1)$$

$$Z_{it} = ' + \gamma_1 Y_{it} + \gamma_2 X_{i2} + v_{it} \quad (2)$$

در مدل اول، متغیر Y_{it} درونزا، متغیر Z_{it} برونزا و متغیر X_{it} توضیحی می‌باشند. در مدل دوم، Z_{it} درونزا، Y_{it} برونزا و X_{i2} توضیحی می‌باشند. در این الگو، متغیر Y_{it} در مدل اول درونزا در و در مدل دوم متغیر دوم برونزا است و متغیر Z_{it} در مدل دوم درونزا و در مدل اول نقش برونزا را بازی می‌کند. یک الگوی با خواص فوق را معادلات همزمان می‌نامند. بعبارتی دیگر، در معادلات همزمان متغیر وابسته هر مدل متغیرهای برونزای مدل دیگر است (افلاطونی، ۱۳۹۷). در این پژوهش مطابق با الگوی رگرسیونی مدل‌های (۱) و (۲) و ادبیات حسابرِس و پژوهش‌های گذشته همانند فلیک و ویلسون (۱۹۹۴) چن و چارچ (۱۹۹۶)، فرت (۱۹۸۰)، لینوکس (۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳)، دویسون و همکاران (۲۰۰۵)، لو (۲۰۰۶)، باربادیلو و همکاران

(۲۰۰۴)، دی‌فوند و ژانگ^۱ (۲۰۱۴) و چن و همکاران (۲۰۱۵) مدل‌های (۳) و (۴) به‌منظور تاثیرگذاري اثر متقابل بين كيفيت گزارشگري مالي و خريد اظهارنظر حسابرِس تدوين شده است. مطابق با انگيزه‌هاي اطلاعاتي (چن و همکاران، ۲۰۱۸) و ديدگاه عدم تقارن اطلاعاتي (دويدسون و همکاران، ۲۰۰۵) و رويکرد فرصت طلبانه مدير (دويدسون و همکاران، ۲۰۰۵، چن و همکاران، ۲۰۱۸) انتظار مي‌رود كه كيفيت پايين گزارشگري مالي شرايط خريد اظهارنظر حسابرِس را بوجود آورد. بدین منظور مطابق با مدل (۱) و به‌منظور آزمون فرضيه اول مدل (۳) به شرح زیر تدوين شده است.

$$OP_Shopping_{it} = \beta_0 + \beta_1 FRQ_{it} + \beta_2 X_{it} + \mu_{it} \quad (3)$$

در مدل (۳)، متغير $OP_Shopping_{it}$ درون‌زا، متغير FRQ_{it} برون‌زا است. همچنين، به‌منظور آزمون فرضيه دوم مطابق با مدل (۲) الگوی رگرسيوني به‌منظور تأثير خريد اظهارنظر حسابرِس بر كيفيت گزارشگري مالي به شرح مدل (۴) تدوين شده است. انتظار مي‌رود مطابق با مسئله نمايندگي (دويدسون و همکاران، ۲۰۰۵) و رويکرد محافظه کارانه (دويدسون و همکاران، ۲۰۰۵، چن و همکاران، ۲۰۱۸) هنگاميكه شركت‌ها به رفتار متقلبانه خريد اظهارنظر حسابرِس روي مي‌آورند، بلافاصله كيفيت گزارشگري مالي آنها کاهش يابد.

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 OP_Shopping_{it} + \gamma_2 X_{it} + \mu_{it} \quad (4)$$

در مدل (۴)، متغير FRQ_{it} درون‌زا، متغير $OP_Shopping_{it}$ برون‌زا است. پس از تشریح متغيرهاي درون‌زا مطابق با الگوی رگرسيوني (۳) و (۴)، متغيرهاي برون‌زا مطابق با پژوهش‌هاي پيشين (لينوكس، ۲۰۰۰، ژي و همکاران، ۲۰۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۵، گارسيالوسما و همکاران، ۲۰۱۸) متغيرهاي توضيحي مدل‌ها با توجه به تحقيقات فوق همانند اندازه شركت، اهمر مالي، بازده دارايي‌ها، تأمين مالي، عملکرد مالي، رشد فروش، عمر شركت و جريان وجوه نقد عملياتي شركت انتخاب شدند كه تدوين نهايي مدل رگرسيوني با الگوی معادلات همزمان به شرح زیر مي‌باشد:

(۵)

$$OP_Shopping_{it} = \beta_0 + \beta_1 FRQ_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 LOSS_{it} + \beta_5 Growth_{it} + \beta_6 CFO_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۶)

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 OP_Shopping_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$OP_Shopping_{it}$: خرید اظهار نظر حسابرِس شرکت i در سال t

FRQ_{it} : کیفیت گزارشگری مالی شرکت i در سال t

$Size_{it}$: اندازه شرکت i در سال t

LEV_{it} : اهرم مالی شرکت i در سال t

$Growth_{it}$: رشد فروش شرکت i در سال t

$LOSS_{it}$: زیان شرکت i در سال t

AGE_{it} : عمر شرکت i در سال t

CFO_{it} : جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت i در سال t

ε_{it} : خطای مدل شرکت i در سال t هستند.

برای برآورد الگوی معادلات فوق می‌توان از رویکردهای متفاوتی استفاده کرد. ۱- روش تک معادله‌ای ۲- روش سیستمی که روش‌های برآورد آنها متفاوت می‌باشد (سوری، ۱۳۹۰). متداول‌ترین روش‌های حل معادلات همزمان، روش‌های رگرسیونی حداقل مربعات دو مرحله‌ای و سه مرحله‌ای و همچنین رگرسیون به ظاهر نامرتبط است که آخری زمانی استفاده می‌شود که بین جزء خطای معادلات ارتباط و یا همبستگی همزمان وجود داشته باشد. اصولاً حل معادلات همزمان نیازمند تبیین شرط درجه‌ای و رتبه‌ای معادلات می‌باشد. که به این عمل "تشخیص فرم ساختاری معادلات" گفته می‌شود. برای تعیین شرط درجه‌ای معادلات همزمان از قاعده زیر استفاده می‌شود:

الف- اگر $m < k - 1$ باشد، سیستم الگوی معادلات کم مشخص است. که امکان ضرایب ممکن نیست.

ب- اگر $m = k - 1$ باشد، سیستم الگوی معادلات دقیقاً مشخص است.

ج- اگر $m > k - 1$ باشد، سیستم الگوی معادلات بیش مشخص است.

امکان ضرایب وجود دارد ولی بیش از یک جواب متصور است.

در این قواعد:

K : تعداد کل متغیرهای برون‌زا در تمامی معادلات الگوی همزمان

k : تعداد متغیرهای برون‌زای ارائه شده در هر معادله الگوی همزمان

m : تعداد متغیرهای دورن‌زای هر معادله است.

همچنین برای تبیین شرط رتبه‌ای لازم است که حداقل یکی از دترمینان‌های ماتریس ضرایب غیر صفر باشد. تا بتوان به جواب قابل قبول رسید، که در این پژوهش به همین صورت بوده است.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

الف- متغیرهای درون‌زا و برون‌زا

متغیرهای درون‌زا الگوی معادلات همزمان عبارت‌اند از خرید اظهار نظر حسابرِس و کیفیت

گزارشگری مالی. برای اندازه‌گیری خرید اظهارنظر حسابرِس از شاخص ترکیبی امیری و فخاری (۱۳۹۹) بهره گرفته شده است. آن‌ها با استفاده از روش ریاضی و آماری تحلیل ممیزی اقدام به تدوین چنین شاخصی کرده‌اند و نشان دادند که شاخص ترکیبی، برآورد بهتری از معیارهای تک بُعدی خرید اظهارنظر ارائه می‌کند. درنهایت با استفاده از ملاحظات مفهومی و تئوریک به شناسایی هفت شاخص انفرادی که عبارت‌اند از تأخیر غیرمنتظره ارائه گزارش حسابرِس (مک‌کئون و همکاران، ۱۹۹۱؛ چن و چارچ، ۱۹۹۲؛ گیبینز و همکاران، ۲۰۰۱؛ اشتون و همکاران، ۱۹۸۷؛ کارسلاو و کاپلان، ۱۹۹۱؛ بامبر و همکاران، ۱۹۹۳)، تغییر مؤسسه حسابرِس (کریشنان و همکاران، ۱۹۹۶؛ چو و راس، ۱۹۸۲؛ ناگل، ۱۹۹۶؛ سیترون و تافلر، ۱۹۹۲؛ شوارتز و منون، ۱۹۸۵؛ مک‌کانل، ۱۹۸۴ و لینوکس، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱)، دوره زیاد تصدی مؤسسه حسابرِس (لینوکس، ۲۰۰۰؛ تیوه، ۱۹۹۲ و دی‌آنجلو، ۱۹۸۱)، تغییر شریک مؤسسه حسابرِس (گاریسلاوسما و همکاران، ۲۰۱۸؛ چن و همکاران، ۲۰۱۵) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرِس (لینوکس، ۲۰۰۰؛ چن و همکاران، ۲۰۰۵؛ فانگ و هانگ، ۲۰۰۸؛ تانگ، ۲۰۱۱ و وو، ۲۰۰۵) بهبود در اظهارنظر حسابرِس (لینوکس، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳)، کاهش تعداد بندهای مشروط گزارش حسابرِس نسبت به سال قبل (فرت، ۱۹۸۰؛ بال، ۱۳ و همکاران، ۱۹۷۹؛ چو و راس، ۱۹۸۲) اقدام نمودند و سپس با توجه به شرایط داده‌های مورد انتظار از فن تحلیل ممیزی به‌منظور تعیین ضرایب در تدوین شاخص ترکیبی استفاده کرده‌اند. الگوی ساخت شاخص ترکیبی آن‌ها بر اساس فن تحلیل ممیزی به شرح زیر بوده است:

$$D = V_1X_1 + V_2X_2 + V_3X_3 + \dots + V_iX_i + A$$

که در آن:

D = تابع تحلیل ممیزی

V_i = وزن هر متغیر در تابع

X_i = متغیرهای توضیحی در تابع

A = مقدار ثابت

i = تعداد متغیرهای توضیحی

1. Gibbins
2. Ashton
3. Carslaw & Kaplan
4. Bamber
5. Krishnan
6. Chow & Rice
7. Nagle
8. Citron, and Taffler
9. Schwartz, and Menon
10. McConnell
11. DeAngelo
12. Fang & Hong
13. Ball

در واقع هدف آنها پیدا کردن یک تابع خطی از شاخص‌های مستقل در تدوین شاخص ترکیبی بوده است. در نهایت شاخص ترکیبی آنها به شرح زیر تدوین شده است (امیری و فخاری، ۱۳۹۹). (۷)

$$\begin{aligned} OP_Shopping_{it} - Index_{it} = & 0.071 [OPImprovement_{it} + 0.504 [QU - \\ Remarks_{it} - & 0.357 [AuditChange_{it} + 0.458 [Tenure_{it} + 1.032 [PartnerChange_{it} \\ & + 0.178 [AbnAuditfee_{it} - 0.053 [AudReportLag_{it} \end{aligned}$$

که در آن:

$OP_Shopping_{it} - Index_{it}$ = شاخص ترکیبی خرید اظهارنظر حسابرسان

$OPImprovement_{it}$ = بهبود اظهارنظر حسابرسان

$QU - Remarks_{it}$ = کاهش تعداد بندهای مشروط گزارش حسابرسان نسبت به سال

قبل

$AuditChange_{it}$ = تغییر موسسه حسابرسان

$Tenure_{it}$ = دوره بالای تصدی موسسه حسابرسان

$PartnerChange_{it}$ = تغییر شریک موسسه حسابرسان

$AbnAuditfee_{it}$ = حق الزحمه غیرعادی حسابرسان

$AudReportLag_{it}$ = تأخیر غیرمنتظره گزارش حسابرسان

می‌باشند.

در رابطه فوق،

شاخص تصمیم‌گیری برای تشخیص وقوع خرید اظهارنظر برای شرکت‌ها بدین صورت است که ابتدا با وارد کردن داده‌های متغیرها در رابطه فوق، مقدار حاصل از رابطه برای هر سال - شرکت بدست آمده است. سپس به منظور طبقه‌بندی شرکت‌ها از لحاظ خرید اظهارنظر حسابرسان و فاقد خرید اظهارنظر حسابرسان از مقدار نقطه بحرانی ۰/۱۳۵ استفاده شده است. بدین صورت، شرکت‌های که مقدار آنها بیش از عدد فوق باشد، بیانگر شرکت‌های که خرید اظهارنظر حسابرسان داشته‌اند و به آنها عدد یک تعلق گرفته است؛ در غیر این صورت مقادیر پایین‌تر از نقطه بحرانی در رابطه نشان‌دهنده شرکت‌های که وضعیتی با خرید اظهارنظر حسابرسان نداشته‌اند و عدد صفر را اختیار کرده است. در جدول (۱) محدوده اندازه‌گیری خرید اظهارنظر حسابرسان ارائه شده است (امیری و فخاری، ۱۳۹۹).

جدول (۱). محدوده‌های شناسایی طبقه‌بندی شرکت‌ها طبق شاخص ترکیبی

محدوده فاقد خرید اظهارنظر حسابرسان	مقدار بحرانی	محدوده خرید اظهارنظر حسابرسان
$OP_Shopping_{it} - Index_{it} < 0.135$	۰/۱۳۵	$OP_Shopping_{it} - Index_{it} > 0.135$

متغیر درون‌زای دیگر پژوهش کیفیت گزارشگری مالی است. مطابق با ادبیات حسابداری و مالی، تاکنون هیچ اتفاق نظری در خصوص معیارهای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی وجود ندارد (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰)، و معیارهای متفاوت انفرادی زیادی برای اندازه‌گیری شاخص کیفیت گزارشگری در ادبیات حسابداری ارائه شده است.

در این باره، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵)^۱ بر اساس ویژگی‌های سود مبتنی بر ارقام حسابداری و بازار معیارهای کیفیت گزارشگری مالی را مشخص می‌کنند. معیارهای مبتنی بر ارقام حسابداری شامل کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود و هموارسازی سود و معیارهای مبتنی بر بازار شامل محافظه‌کاری، به‌موقع بودن و رابطه ارزشی سود، می‌باشد. چنین مسئله‌ای نشان می‌دهد که در اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی باید از رویکرد ترکیبی معیارهای مبتنی بر ویژگی‌های سود (ارقام حسابداری و بازار) بهره گرفت؛ تا صحت برآورد اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی دقیق‌تر بیان شود. بسیاری از پژوهشگران همانند بیدل و هیلاری (۲۰۰۶) و هوسینل (۲۰۱۷)^۲ برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی از شاخص ترکیبی استفاده کرده‌اند. زیرا، معیار شاخص ترکیبی، خطاهای اندازه‌گیری و مقادیر شدید ناشی از خطاهای اندازه‌گیری شاخص‌های فردی را کاهش می‌دهد که به‌نوبه خود اعتبار نتایج را افزایش می‌دهد. در این پژوهش با توجه به مفاهیم نظری در گزارشگری مالی ایران به‌منظور بهره‌گیری استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری، معیار اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی مطابق با پژوهش‌های پیشین (بیدل و هیلاری، ۲۰۰۶، هوسینل، ۲۰۱۷) به‌صورت ترکیبی در نظر گرفته شده است. این شاخص ترکیبی مبتنی بر معیارهای کیفیت اقلام تعهدی (دیچو و دچو، ۲۰۰۲)،^۳ محافظه‌کاری حسابداری (بیتی و همکاران، ۲۰۰۸،^۴ ژانگ و همکاران، ۲۰۰۸، لویس و همکاران، ۲۰۱۱)، پایداری سود (لوز و همکاران، ۲۰۰۳)، هموارسازی سود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵) و رابطه ارزشی سود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵) است که الگوی متدولوژی ساخت آن بر اساس پژوهش‌های بیدل و هیلاری (۲۰۰۶) و هوسینل (۲۰۱۷) بهره گرفته شده است.

بدین ترتیب پس از اندازه‌گیری معیارهای بیان شده، مقادیری که ارزش آنها بالاتر از میانه است به‌عنوان پراکسی نهایی برای کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شده است که مقدار یک به آنها تخصیص داده شده است و مقادیر پائین‌تر از میانه به‌عنوان کیفیت پایین گزارشگری مالی در نظر گرفته شده و مقدار صفر به آن تعلق گرفته است. در نهایت پس از تفکیک شرکت‌های با کیفیت گزارشگری بالا و پایین، با جمع جبری مقادیر واقعی پنج معیار فوق شاخص ترکیبی کیفیت گزارشگری مالی به دست آمده است. قدر مسلم، ترکیب پنج معیار فوق به‌صورت شاخص

1. Francis
2. Houcinel
3. Dechow & Dichev
4. Beatty
5. Zhang
6. Louis
7. Leuz

ترکیبی این مزیت را دارد که اثرات خطاهای اندازه‌گیری مربوط به معیارهای انفرادی کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد.

$$\text{FRQ_Index}_{it} = \text{Accruals_quality}_{it} + \text{Accounting_conservatism}_{it} + \text{Earnings_smoothness}_{it} + \text{Earnings_value_relevance}_{it} + \text{Earning_sustainability}_{it} \quad (۸)$$

که در آن:

FRQ_Index_{it} = شاخص ترکیبی کیفیت گزارشگری مالی

$\text{Accruals_quality}_{it}$ = کیفیت اقلام تعهدی

$\text{Accounting_conservatism}_{it}$ = محافظه‌کاری حسابداری

$\text{Earnings_smoothness}_{it}$ = هموارسازی سود

$\text{Earnings_value_relevance}_{it}$ = رابطه ارزشی سود

$\text{Earning_sustainability}_{it}$ = پایداری سود

کیفیت اقلام تعهدی

از زمان یافته‌های دیچو و دچو (۲۰۰۲) کیفیت اقلام تعهدی مترادف با کیفیت سود تعریف شده است (کاسینو^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). کیفیت اقلام تعهدی نشان دهنده یک ویژگی برای کیفیت گزارشگری مالی است که بر دقت اطلاعات حسابداری تمرکز دارد. زمینه اصلی استفاده از کیفیت اقلام تعهدی به‌عنوان پروکسی برای کیفیت گزارشگری مالی بر اساس این عقیده استوار است که اقلام تعهدی برآورده‌کننده جریان‌های نقدی آتی شرکت هستند و اطلاعات مربوط به عملکرد شرکت‌ها را منتقل می‌کنند (سابرمانیام، ۱۹۹۶،^۲ دیچو و دچو، ۲۰۰۲). این تعریف از کیفیت اقلام تعهدی مطابق با مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران است که بیان می‌کند یکی از اهداف اطلاعات گزارشگری مالی فراهم کردن اطلاعات مالی عملکرد شرکت‌ها برای ارائه به سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در تصمیم‌گیری‌های منطقی و ارزیابی جریان‌های نقدی مورد انتظار شرکت است.

کیفیت اقلام تعهدی مورد استفاده در پژوهش حاضر، مدل تعدیل‌شده دیچو و دچو (۲۰۰۲) است که این معیار مبتنی بر اقلام تعهدی سرمایه در گردش و جریان‌های نقدی عملیاتی سال گذشته، جاری و آتی می‌باشد و علاوه بر آن تغییرات درآمدها و ارزش ناخالص دارایی‌های ثابت را در بردارد.

$$\text{TACC} = a_0 + a_1 \frac{\text{CFO}_{t-1}}{\text{TA}_{t-1}} + a_2 \frac{\text{CFO}_t}{\text{TA}_{t-1}} + a_3 \frac{\text{CFO}_{t+1}}{\text{TA}_{t-1}} + a_4 \frac{\text{REV}}{\text{TA}_{t-1}} + a_5 \frac{\text{PPE}}{\text{TA}_{t-1}} + \varepsilon \quad (۹)$$

۱. Cascino

۲. Subramanyam

TACC = کل اقلام تعهدی جاری است که از رابطه زیر بدست می‌آید:

$$TACC = \Delta CA - \Delta CL - \Delta Cash + \Delta STDEBT \quad (10)$$

ΔCA = تغییر در جمع کل دارایی‌های جاری سال قبل و جدید

ΔCL = تغییر در جمع کل بدهی‌های جاری سال قبل و جدید

$\Delta Cash$ = تغییرات وجه نقد سال جاری با قبل

$\Delta STDEBT$ = تغییرات در حصه جاری بدهی‌های بلندمدت

TA_{t-1} = جمع کل دارایی‌های سال قبل

CFO_{t-1} = جریان وجوه نقد عملیاتی سال قبل

CFO_t = جریان وجوه نقد عملیاتی سال جاری

CFO_{t+1} = جریان وجوه نقد عملیاتی سال بعد

ΔREV = تغییرات درآمد فروش سال قبل و جاری

PPE = ارزش ناخالص دارایی‌های شرکت

در رابطه فوق هرچه اندازه مقادیر خطای مدل کمتر باشد، کیفیت اقلام تعهدی و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی بالاتر خواهد بود. در این پژوهش قرینه انحراف معیار کمتر مقادیر خطاهای مدل، کیفیت گزارشگری مالی را منعکس می‌کند.

محافظه‌کاری حسابداری

محافظه‌کاری حسابداری یکی از بارزترین خصوصیات کیفیت گزارشگری مالی است و یکی از مؤثرترین مفاهیم حسابداری است و جزء ذات ویژگی‌های هر سیستم حسابداری تلقی می‌شود و به‌عنوان واکنشی محتاطانه نسبت به عدم قطعیت‌های آینده عمل می‌کند و زیان‌های تحقیق نیافته را به رسمیت می‌شناسد و شناسایی سودهای آتی را تا زمان وقوع آنها به تأخیر می‌اندازد (باسو، ۱۹۹۷).^۱ این شناسایی نامتقارنی سود و زیان منجر به پیامدهای می‌شود که اخبار بد را سریعتر از اخبار خوب منعکس کند و همچنین محافظه‌کاری نقش نظارتی و علامت‌دهی به بازار را فعال‌تر می‌کند و بر تصمیم سرمایه‌گذاری شرکت و سرمایه‌گذاران نقش بسزایی دارد. زیرا، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها متأثر از نقش محافظه‌کاری در حسابداری است که از شدت عدم تقارن اطلاعاتی می‌کاهد. در این پژوهش مطابق با پژوهش‌های بیتی و همکاران (۲۰۰۸)، ژانگ و همکاران (۲۰۰۸) و لوپس و همکاران (۲۰۱۱) از اقلام تعهدی غیرعملیاتی به‌عنوان محافظه‌کاری حسابداری برای تعیین کیفیت گزارش مالی بهره گرفته شده است که در رابطه زیر ارائه شده است.

1. Basu

$$(۱۱) \quad \text{NOAC} = \text{TAC} - \text{OAC}$$

NOAC = اقلام تعهدی غیر عملیاتی

TAC = سود خالص + استهلاک - جریان وجوه نقد عملیاتی که کل دارایی‌های شرکت

تقسیم می‌شود.

OAC = تغییرات حسابهای دریافتنی + تغییرات موجودی مواد و کالا + تغییرات

پیش‌پرداخت هزینه - تغییرات حسابهای پرداختنی - تغییرات مالیات پرداختنی که حاصل آن به کل دارایی‌های شرکت تقسیم می‌شوند.

سپس اقلام تعهدی غیر عملیاتی را با استفاده از میانگین متحرک دو سال جاری و قبل برای هر مشاهده سال شرکت اندازه‌گیری می‌شود و در نهایت مقدار حاصل در عدد (۱-) ضرب می‌شود تا ارزش‌های مثبت‌تر نشانگر محافظه‌کاری بیشتر باشد.

رابطه ارزشی سود

جریان کاملی از تحقیقات حسابداری (بال و برون، ۱۹۶۸^۱، بیور، ۱۹۶۸^۲، فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵) به رابطه ارزشی سود توجه زیادی دارند و آن را مفیدترین ویژگی مؤثر سودآوری در تصمیم‌گیری می‌دانند. این ویژگی، توانایی سود در تغییرات بازده سهام را توضیح می‌دهد که در آن قدرت توضیحی بیشتر به‌عنوان یک معیار مطلوب تلقی می‌شود و نماینده‌ای از اهمیت و قابلیت اطمینان به گزارشگری اطلاعات مالی به‌حساب می‌آید. به‌گونه‌ای که رابطه ارزشی سود باعث کاهش اطلاعات نامتقارن بین شرکت و تأمین‌کنندگان سرمایه خواهد شد و بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر بسزایی می‌گذارد. در رابطه ارزشی سود، بازده سهام به‌عنوان یک علامت با ارزش و اطلاع‌رسان درباره توانایی بازپرداخت به تأمین‌کنندگان سرمایه است، همچنین منعکس‌کننده ارقام حسابداری است که اطلاعات اقتصادی شرکت را مخابره می‌کند و باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی خواهد شد. در این پژوهش مطابق با مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) رابطه ارزشی سود به‌عنوان پراکسی برای کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شده است. برخلاف مطالعات قبلی که رابطه ارزشی سود را با استفاده از قدرت توضیحی مدل (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵) می‌سنجیدند. ولی در این پژوهش، از قدر مطلق خطای باقیمانده مدل پس از برآورد به‌عنوان معیاری برای رابطه ارزشی سود در نظر گرفته شده است (قاسن و سلورن، ۲۰۰۶^۳، جیو، ۲۰۰۷^۴، کاسینو و همکاران، ۲۰۱۰^۵، هوسینل، ۲۰۱۷^۶). سطوح بالاتر قدر مطلق خطای مدل بیانگر پایین‌تر بودن رابطه ارزشی سود است (جیو، ۲۰۰۷^۴). برای سهولت تفسیر مقدار خطای مدل در (۱-) ضرب شده است و در نتیجه هر چه خطای مدل منفی‌تر باشد نشان‌دهنده بالاتر بودن رابطه ارزشی سود است.

1. Ball & Brown
2. Beaver
3. Gassen & Sellhorn
4. Gu

$$R_i = {}^2_0 + {}^2_1 \frac{EPS}{P_{t-1}} + {}^2_2 \frac{\Delta EPS}{P_{t-1}} + \varepsilon_{it} \quad (12)$$

R_i = بازده سهام

EPS = سود پیشنهادی هر سهم

ΔEPS = تغییرات سود پیشنهادی هر سهم

P_{t-1} = قیمت سهم در ابتدای دوره یا پایان سال قبل

هموارسازی سود

هموارسازی سود یکی از ویژگی‌های سود است که در ادبیات حسابداری بحث‌های زیادی درباره آن وجود دارد. چراکه دو فرض متضاد در مورد آنچه که مدیران را برای هموارسازی سود انگیزه می‌دهد وجود دارد. بسیاری از پژوهشگران (لوز و همکاران، ۲۰۰۳، جارایمان، ۲۰۰۸) استدلال می‌کنند که مدیران ارقام حسابداری را به‌طور مصنوعی هموارسازی می‌کنند تا عملکرد نامطلوب شرکت را پنهان نگه دارند که این جریان از محتوای اطلاعاتی سود گزارش شده می‌کاهد و عدم تقارن اطلاعاتی را تشدید می‌کند. در مقابل، برخی محققان (سانکار و سابرامانیام، ۲۰۰۱، تاکر و زاروین، ۲۰۰۶) هموارسازی سود را به‌عنوان یک ویژگی مطلوب از سود نگاه می‌کنند، چراکه با افشا کردن یک مؤلفه از سود علامت مثبتی را روانه بازار می‌کنند که این از جریان اطلاعات خصوصی مدیران در مورد آینده که قیمت سهام را به ارزش ذاتی نزدیک می‌کند، می‌کاهد. در نتیجه، هموارسازی سود بر روی تصمیمات استفاده‌کنندگان اثر زیادی دارد؛ به طوریکه کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری هموارسازی سود مطابق با پژوهش‌های لوز و همکاران (۲۰۰۳) فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) از رابطه (۱۳) زیر استفاده شده است.

$$ES = \partial (NEI) / \partial (OCF) \quad (13)$$

ES = هموارسازی سود

$\partial (NEI)$ = انحراف معیار سود خالص برای سه سال متوالی

$\partial (OCF)$ = انحراف معیار جریان نقد عملیاتی برای سه سال متوالی

مقادیر پایین رابطه فوق بیانگر درجه بالای سطح هموارسازی سود است. طبق گفته زاروین

(۲۰۰۲) برای هموارسازی سود نسبت فوق باید کمتر از یک باشد. بنابراین مقادیر پایین

نشان‌دهنده درجه بیشتر هموارسازی سود است.

1. Jarayaman

2. Sankar & Subramanyam

3. Tucker & Zarowin

پایداری سود

برای اندازه‌گیری پایداری سود از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است. در این مدل، الگوی رگرسیونی برای ارزش آتی سودها نسبت به ارزش‌های جاری سودها برآورد شده است که به صورت رابطه (۱۴) است. در این مدل از ضریب 1^2 برای اندازه‌گیری پایداری سود استفاده شده است و برازش رگرسیون فوق به صورت سری زمانی پنج ساله است.

$$\text{Earnings}_{t+1} = a_0 + {}^2_1 \text{Earnings}_t + \varepsilon_t \quad (14)$$

که در آن:

$$\text{Earnings}_{t+1} = \text{سود آتی}$$

$$\text{Earnings}_t = \text{سود جاری}$$

$$\varepsilon_t = \text{خطای مدل}$$

متغیرهای برون‌زا

متغیرهای برون‌زا مدل‌ها عبارتند از اندازه شرکت، اهرم مالی، رشد شرکت، زیان شرکت، عمر شرکت، جریان وجوه نقد عملیاتی. شرکت‌های با اندازه کوچک نسبت به شرکت‌های با اندازه بزرگ، اظهارنظر تعدیل‌شده بیشتری از حسابرسان دریافت می‌کنند (مونر و تیه، ۱۹۹۳^۱، کریشن‌ان، ۱۹۹۴) و به احتمال بیشتری حسابرسان خود را تغییر می‌دهند و احتمال خرید اظهارنظر حسابرس در آنها زیاد است (لینوکس، ۲۰۰۰). بنابراین، پیش‌بینی می‌شود ارتباط معکوسی بین اندازه شرکت و خرید اظهارنظر وجود داشته باشد. مطابق با دیدگاه انگیزه اطلاعاتی، انتظار می‌رود که ارتباط بین رشد شرکت و خرید اظهارنظر حسابرس متفاوت باشد. چون رشد کم شرکت‌ها می‌تواند نشانه‌ای از ضعیف بودن سلامت مالی باشد و علامت منفی برای ادامه فعالیت شرکت‌ها تلقی شود؛ به نظر می‌رسد شرکت‌های که رشد آنها با سرعت زیاد کاهش می‌یابد، احتمالاً به‌منظور پنهان ساختن چنین مسئله‌ای، حسابرسشان را در مقایسه با شرکت‌های که با نرخ ثابت رشد می‌کنند، تغییر می‌دهند (بیتی و فیرنلی، ۱۹۹۵^۲). عبارتی دیگر، خرید اظهارنظر حسابرس در چنین شرکت‌های محتمل است.

زیان شرکت به‌منظور تجزیه و تحلیل عملیاتی شرکت‌ها در مدل گنجانده شده است. بسیاری از پژوهش‌ها (رینولدز^۳ و فرانسیس، ۲۰۰۱، دی فوند و همکاران، ۲۰۰۲) نشان دادند هنگامی که شرکت‌ها با وضعیت عملیاتی زیان مواجه هستند، احتمالاً گزارش حسابرسی نامطلوبی دریافت می‌کند. در این پاره منون و شوارتز (۱۹۸۵) دریافتند شرکت‌های که عملکرد مالی (زیان) مطلوبی ندارند، احتمالاً حسابرسان را تغییر می‌دهند که به نتایج گزارشگری مطلوب دست یابند. این نتیجه‌گیری مطابق با این استدلال است که خرید اظهارنظر حسابرس در شرکت‌های زیان‌دیده

1. Monroe & Teh

2. Beattie & Fearnley

3. Reynolds

بیشتر است (تانگ، ۲۰۱۱). بسیاری از مطالعات همانند لینوکس (۲۰۰۰) نشان دادند حسابرسان به هنگام برخورد با ناتوانی شرکت در پرداخت اصل و بهره، شرایط را در گزارش حسابرسی به صورت بندهای شرط گزارش می‌کنند. چنین مسئله‌ای به صورت فرصت طلبانه (دویدسون و همکاران، ۲۰۰۵، چن و همکاران، ۲۰۱۸) به مدیران اجازه می‌دهد که از طریق بهبود در اظهارنظر حسابرس، میزان ناتوانی در پرداخت بدهی اصل و بهره را پنهان نگه دارند. انتظار می‌رود که بین اهرم مالی و خرید اظهارنظر حسابرس رابطه مثبت وجود داشته باشد. بر مبنای شواهد تجربی پیشین شرکت‌های مسن‌تر که شرکت‌های باتجربه در صنعت مربوطه هستند؛ احتمالاً اطلاعات بیشتری را افشاء و در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهند و بالعکس شرکت‌های جوان‌تر به منظور برطرفی شکاکیت و رفع نگرانی‌های سرمایه‌گذاران اطلاعات مفیدی را افشاء می‌کنند؛ چنین شرکت‌های به منظور ماندگاری در بازار نیاز است که وضعیت اظهارنظر گزارش حسابرسی مطلوب باشد (السعيد، ۲۰۰۶).^۱ در نهایت، جریان وجوه نقد عملیاتی معیار بااهمیتی است که حسابرسان توجه خاصی به آن دارد. زیرا، جریان وجوه نقد عملیاتی منفی بر تداوم فعالیت شرکت تأثیر بسزایی دارد که احتمال صدور اظهارنظر تعدیل شده گزارش حسابرسان را بیشتر می‌کند و زمینه خرید اظهارنظر حسابرس، بیشتر محتمل می‌شود (لینوکس، ۲۰۰۲).

جدول ۲. تعاریف عملیاتی متغیرهای برون‌زا

متغیر	تعاریف عملیاتی
اندازه شرکت	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در پایان سال (لینوکس، ۲۰۰۰، ژی و همکاران، ۲۰۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۸، گارسیاوسما و همکاران، ۲۰۱۸).
اهرم مالی	از تقسیم کل بدهی به کل دارایی‌های شرکت در پایان سال (لینوکس، ۲۰۰۰، ژی و همکاران، ۲۰۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۸، گارسیاوسما و همکاران، ۲۰۱۸).
رشد شرکت	(تفاوت فروش سال جاری با سال قبل) به سال قبل (لینوکس، ۲۰۰۰، ژی و همکاران، ۲۰۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۸).
زیان شرکت	اگر شرکت در طی سال زیان کرده باشد عدد یک به آن تعلق می‌گیرد، در غیر این صورت عدد صفر اختیار می‌کند. (لینوکس، ۲۰۰۰، ژی و همکاران، ۲۰۱۰، چن و همکاران، ۲۰۱۵، گارسیاوسما و همکاران، ۲۰۱۸).
عمر شرکت	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران (چن و همکاران، ۲۰۱۸).
جریان وجوه نقد عملیاتی	از صورت جریان وجوه نقد استخراج شده و به کل دارایی‌های شرکت در پایان سال همگن شده است (چن و همکاران، ۲۰۱۸).

یافته‌ها

نتایج آمار توصیفی

جدول (۳)، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش را نشان می‌دهد. مقادیر حداکثر و حداقل اندازه شرکت نشان می‌دهد که جامعه غربالگری شده از تنوع اندازه مناسبی برخوردار است. مقدار میانگین اهرم مالی حاکی از این است که بیش از ۵۹٪ دارایی‌های شرکت از محل بدهی تأمین مالی شده‌اند. مقدار متوسط رشد شرکت نشان می‌دهد شرکت‌ها از نظر ریالی رشد مناسبی داشته‌اند. همچنین مقدار متوسط جریان وجوه نقد عملیاتی بیانگر این است که حدود ۱۱٪ از وجوه نقد شرکت حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت بوده است. همچنین میانگین معیار ترکیبی کیفیت گزارشگری نشان‌دهنده محتوای اطلاعاتی هستند که بر اساس داده‌های مبتنی بر ارقام حسابداری و بازار بدست آمده است.

جدول ۳. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین	تعداد مشاهدات
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۷۷۶	۰/۶۸۳	۰/۵۴۷	۴/۴۳۰	۰	۱۰۱۶
اندازه شرکت	۱۴/۱۳۲	۱۴/۰۴۸	۱/۴۸۸	۱۹/۳۱۳	۱۰/۱۶۶	۱۰۱۶
اهرم مالی	۰/۵۹۴	۰/۶۰۶	۰/۲۰۹	۱/۹۳۷	۰/۰۶۱	۱۰۱۶
رشد شرکت	۰/۲۴۴	۰/۱۷۶	۰/۴۸۳	۶/۵۵۵	-۰/۸۲۵	۱۰۱۶
عمر شرکت	۳/۵۹۴	۳/۶۹۰	۰/۳۵۸	۴/۲۰۰	۲/۴۸۰	۱۰۱۶
جریان وجوه نقد عملیاتی	۰/۱۱۵	۰/۰۹۷	۰/۱۲۹	۰/۶۴۲	۰/۱۲۹	۱۰۱۶

جدول (۴) نتایج آمار توصیفی حاصل از متغیرهای گسسته را نشان می‌دهد. در نمونه مورد بررسی ۴۳٪ از شرکت‌ها خرید اظهارنظر حسابرِس داشته‌اند و ۱۳٪ از شرکت‌ها زیان‌دیده بودند.

جدول ۴. نتایج آمار توصیفی متغیرهای گسسته

متغیرها	فراوانی		درصد		تعداد مشاهدات
	یک	صفر	یک	صفر	
خرید اظهارنظر حسابرِس	۴۴۳	۵۷۳	٪۴۳	٪۵۷	۱۰۱۶
زیان شرکت	۱۲۹	۸۸۷	٪۱۳	٪۸۷	۱۰۱۶

انتخاب الگوی مناسب برای معادلات همزمان

جدول (۵)، نتایج شرط درجه‌ای، معادلات همزمان را نشان داده است. نتایج حاصل شده

بیانگر این است که معادله بیش مشخص است و حداقل یک جواب قابل قبول برای حل معادلات وجود دارد. بنابراین، می‌توان از سه روش رگرسیونی متداول (حداقل مربعات معمولی دومرحله‌ای، حداقل مربعات معمولی سه مرحله‌ای، رگرسیون به‌ظاهر نامرتبط) استفاده کرد. اما از آنجایی که بکارگیری روش رگرسیونی به‌ظاهر نامرتبط، نیازمند آزمون وجود همبستگی همزمان بین اجرا خطای معادلات می‌باشد. باید قبل از بکارگیری نهایی روش‌ها از این موضوع مطلع شد. لذا با روش رگرسیونی دومرحله‌ای مدل اولیه برآورد شده و پس از آن تصمیم‌گیری برای برآورد مدل نهایی انجام خواهد شد. نتایج ارائه شده حاصل از آزمون براش پاگان در جدول (۶) نشان می‌دهد که مقدار کای-دو برابر با ۰/۱۴۵ و در سطح خطای آماری ۵٪ معنادار است. بنابراین الگوی حاکم برای برآورد معادلات همزمان روش رگرسیونی حداقل مربعات دومرحله‌ای با رویکرد SUR^1 یا همان رگرسیون به‌ظاهر نامرتبط است.

جدول ۵. نتایج آزمون تشخیص و انتخاب رویکرد برآورد مدل در الگوی معادلات همزمان

تشخیص	انتخاب رویکرد	m-l	K-k	M	K	K	مدل
$K-k < m-l$	بیش	۰	۱	۱	۵	۶	(۵)
$K-k < m-l$	بیش	۰	۲	۱	۴	۶	(۶)

جدول ۶. نتایج آزمون بروش پاگان

انتخاب روش	سطح معناداری	مقدار	آزمون
حداقل مربعات دو مرحله‌ای با رویکرد SUR	۰/۰۰۵	$\chi^2 (7/582)$	براش پاگان

نتایج آزمون فرضیه‌ها

در جدول (۷)، تخمین حاصل از برآورد الگوی معادلات همزمان برای فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است.

اظهار نظر حسابرِس برابر با ۰/۱۹۱- و ۵/۴۹- می باشد. این یافته بدست آمده نشان می دهد که خرید اظهار نظر حسابرِس باعث کاهش کیفیت گزارشگری مالی در سطح خطای آماری ۵٪ می شود. بنابراین، با توجه به یافته های بدست آمده از دو مدل (۵) و (۶) در الگوی معادلات همزمان استدلال می شود که اثر دوسویه معکوس و معنادار بین خرید اظهار نظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. بنابراین، فرضیه های اول و دوم پژوهش در سطح خطای آماری ۵٪ پذیرفته می شود.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش مطابق با نظریه ها و تئوری های موجود اثر متقابل بین خرید اظهار نظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی با الگوی معادلات همزمان مورد آزمون قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان داد که اثر متقابل و دوسویه ای معکوس و معناداری میان خرید اظهار نظر حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. این نتایج بیانگر این مطلب است، هنگامی که شرکت ها به فعالیت متقابلانه خرید اظهار نظر حسابرِس روی می آورند بلافاصله کیفیت گزارشگری صورت های مالی آنها کاهش پیدا می کند و شدت عدم تقارن اطلاعاتی از شرکت در بازار بیشتر می شود. در مقابل کیفیت ضعیف گزارشگری مالی نیز باعث می شود که مدیران در پی اخذ اظهار نظر مطلوب حسابرِس باشند. یافته های بدست آمده برحسب تئوری نمایندگی و دیدگاه عدم تقارن اطلاعاتی قابل استدلال است. به نظر می رسد در محیط بازار حسابرسی ایران به دلیل وجود الزامات قانونی برای حسابرسی، مدیران تلاش بی حد و حصری را انجام می دهند که نتایج وضعیت گزارشگری مالی جهت قرائت در مجمع عمومی و افشای آن جهت تصمیمات سرمایه گذاران مطلوب باشد. بنابراین، هنگامی که مدیران شرکت ها اهداف عملیاتی و محیطی خود را در گزارشگری مالی از طریق حسابرسان فعلی نبینند در تدارک جستجوی موسسه های حسابرسی هستند که از رویه های فعلی گزارشگری پشتیبانی نماید. بعبارتی دیگر به دنبال بهبود در اظهار نظر حسابرِس هستند. مطابق با دیدگاه عدم تقارن اطلاعاتی، مدیران سعی دارند با اهرمی همچون حسابرِس عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه گذاران در بازار را تشدید کنند و وضعیت نامطلوب گزارشگری مالی را مخفی نمایند تا به اهداف و موضع خویش دست یابند.

همچنین، یافته های به دست آمده با رویکردهای نظری فرصت طلبانه و محافظه کارانه درباره وقوع خرید اظهار نظر حسابرِس قابل استدلال است. به نظر می رسد مدیران شرکت های بورسی با توجه به الزامات قانونی برای حسابرسی به دنبال موسسه های حسابرسی هستند که کیفیت حسابرسی پایینی داشته باشند تا با نارسائی های فعلی موجود در سیستم حسابداری صاحبکار مخالفتی نداشته باشند. این رویکرد فرصت طلبانه مدیر باعث خواهد شد به اهداف گزارشگری مالی خود دست یابد و پاداشی مناسبی دریافت نماید. در خصوص رویکرد محافظه کارانه همچنین استدلال می شود که به دلیل وجود تعداد زیادی از مؤسسات حسابرسی خصوصی کوچک و ناشناخته در محیط بازار حسابرسی ایران، شرایطی را فراهم کرده است که مدیران در جستجوی

حسابرسانی باشند که نسبت به رویکرد گزارشگری محافظه کارانه اعتنایی نداشته باشند و از روش‌های نامطلوب فعلی مدیران پشتیبانی کنند. چنین نتایجی حاصل از خرید اظهار نظر حسابرِس باعث کاهش اعتباردهی کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی خواهد شد و استفاده‌کنندگان ضررهای زیادی را متحمل خواهند شد. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های دویدسون و همکاران (۲۰۰۵) و چن و همکاران (۲۰۱۸) هم عقاید است مبنی بر این تحلیل که رویکردهای نظری فرصت‌طلبانه و محافظه کارانه شرایط خرید اظهار نظر حسابرِس را به وجود می‌آورند و احتمال خطای نوع دوم حسابرسی بسیار زیاد است و بالتبع کیفیت صورت‌های مالی کاهش پیدا می‌کند. یافته‌های این پژوهش چندین دستاورد و ارزش افزوده علمی برای استفاده‌کنندگان دارد:

جنبه اول، مربوط به اثرات اقتصادی خرید اظهار نظر حسابرِس به روی کیفیت گزارش‌های مالی حسابرسی شده است که سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان می‌توانند با اطمینان بیشتر از تخصیص بهینه منابع خود آگاه شده و از اتلاف منابع سرمایه و از بین رفتن ثروت جلوگیری شود. عبارتی دیگر، ذینفعان را در خصوص وضعیت فعلی و آتی شرکت یاری می‌کند. جنبه دوم، مربوط به حوزه اجتماعی است که افزایش اعتماد جامعه به حرفه حسابرسی در خصوص اعتباردهی به کیفیت صورت‌های مالی که بر اثر خرید اظهار نظر حسابرِس خدشه‌دار می‌شود، کم شود که در نهایت باعث عدم رشد و توسعه جایگاه حرفه حسابرسی کنونی خواهد شد.

جنبه سوم، مربوط به حوزه سیاسی است که موجب افزایش سیاست‌های دولت و قانون‌گذاران در تصویب مقررات و قوانینی شود که میزان پابندی حسابرسان به قانون‌گرایی، شفافیت، نظم و انضباط و پاسخگوئی و حسابداری را بیشتر نماید و اعتماد عمومی بیشتر راجع به حرفه حسابرسی را به دنبال داشته باشد.

جنبه چهارم، نتایج این پژوهش به عنوان ابزاری برای نظارت و ارزیابی جهت کنترل کیفیت موسسه‌های عضو جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی و برای شرکت‌ها دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کشور مفید واقع شود.

جنبه پنجم، نتایج این پژوهش می‌تواند در پروژه‌های تجدید نظر استانداردهای حسابرسی شماره‌های (۱)، (۲۲۰)، (۷۰۰)، (۷۰۵) و (۷۰۶) مفید واقع شود.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. افلاطونی، عباس. (۱۳۹۷). اقتصاد سنجی در پژوهش‌های مالی و حسابداری با نرم‌افزار Eviews. انتشارات ترمه.
۲. آقای، محمدعلی، بابایی، ساسان. (۱۳۹۲). رابطه بین تعدیل اظهار نظر حسابرِس و زمان‌بندی افشای اطلاعات، مطالعات تجربی حسابداری مالی. ۱۱ (۴۲)، ۱-۲۹.
۳. امیری، اسماعیل، فخاری، حسین. (۱۳۹۹). شاخص ترکیبی برای خرید اظهار نظر حسابرِس مبتنی بر فن تحلیل ممیزی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۷ (۱)، ۱-۳۱.

۴. پیری، پرویز، دیدار، حمزه، دانشیار، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه کیفیت گزارشگری مالی با نوع اظهار نظر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی. ۷۴-۴۷، (۲)۳.
۵. حاجیه‌ها، زهره، ابراهیمی، محمدرضا. (۱۳۹۵). بهبود در اظهار نظر حسابرسان و اثرات آن بر تغییرات قیمت و حجم معاملات سهام، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسان. ۸۱-۶۱، (۸)۳۰.
۶. خدادادی، ولی، ویسی، سجاد، نیک کار، جواد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تغییرات اظهار نظر حسابرسان بر به موقع بودن افشا در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسان. ۸۷-۷۰، (۳۰)۳.
۷. سوری، علی. (۱۳۹۰). اقتصاد سنجی همراه با کاربرد Eviews. انتشارات فرهنگ شناسی، چاپ پنجم.
۸. صفرزاده، محمدحسین، بیگ‌پناه بهزاد. (۱۳۹۵). بهبود در اظهار نظر حسابرسان مستقل و به موقع بودن گزارش‌های مالی سالانه، مجله پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، (۸)۱، ۹۳-۱۱۴.

ب- منابع خارجی:

1. Alsaeed.K. (2006). The Association between Firm specific Characteristics and Disclosure: The case of Saudi Arabia", Managerial Auditing Journal, 21(5), 476-496.
2. Amihud. Y, Mendelson.H. (1986). Asset Pricing and the Bid-Ask Spread. Journal of Financial Economics 17(2), 223-249.
3. Ashton. R. H, Willingham. P.R, Elliot R.K. (1987). An empirical analysis of audit delay, Journal of Accounting Research, 25(2). 275-292.
4. Bagherpour, M., Monroe, G., & Shailer, G. (2010). Auditor Switching in an Increasingly Competitive Audit Market. Working papers.
5. Ball, R. Brown, P. (1968). An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers", Journal of Accounting Research, 6 (2), 159-178.
6. Ball, R, Shivakumar. L. (2005). Earnings Quality in U.K. Private Firms. Journal of Accounting and Economics, 39 (1), 83-128.
7. Ball, R., Walker, R.G., Whittred, G.P. (1979). Audit Qualifications and Share Prices. Abacus, 15 (1), 23-34.
8. Barbadillo. E, Aguilar.Nieves, López. E.B. (2006). Long-term audit engagements and opinion shopping: Spanish evidence, Accounting Forum. 30(1), 61-79.
9. Basu, S. (1997), "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings, Journal of Accounting and Economics, 24 (1), 3-37.
10. Beatty, A., Weber, J. and Yu, J. (2008). Conservatism and Debt, Journal of Accounting and Economics, 45 (2-3), 154-174.
11. Beattie. V., Fearnley, S. (1995). The importance of audit firm characteristics and the drivers of auditor change in UK listed companies. Accounting and Business Research 25, 227-239.
12. Bamber. E.M., Bamber, L.S. and Schoderbek, M. P. (1993). Audit structure and other determinants of audit report lag: an empirical analysis, Auditing, A Journal of Practice and Theory, 12(1), 1-23.
13. Beaver. W. (1968). The information content of annual earnings announcements, Journal of Accounting Research, 6, 67-92.
14. Berger, A, Udell, G. (1998). The economics of small business finance: the roles of private equity and debt markets in the financial growth cycle. Journal of Banking and Finance, 22(6-8), 613-673.
15. Biddle. G. Hilary, G. (2006). Accounting quality and firm-level capital investment.", The Accounting Review, 81 (5), 963-982.
16. Bushman. R. M, Smith, A. J. (2001). Financial Accounting Information and corporate governance. Journal of Accounting Economics 32(1-3), 237- 333.

17. Cascino, S., Pugliese, A., Mussolino, D. and Sansone, C. (2010). The Influence of Family Ownership on the Quality of Accounting Information, *Family Business Review*, 23 (3), 246- 265.
18. Carslaw, C. A. P. N., & Kaplan, S. E. (1991). An Examination of Audit Delay: Further Evidence from New Zealand. *Accounting and Business Research*, 22(85), 21–32
19. Chen, Feng and Francis, Jere R. and Hou, Yu. (2018). Opinion Shopping through Same-Firm Audit Office Switches. Available at ssrn.
20. Chen, Feng & Peng, Songlan & Xue, Shuang & Yang, Zhifeng & Ye, Feiteng. (2015). Do Audit Clients Successfully Engage in Opinion Shopping? Partner-Level Evidence. *Journal of Accounting Research*, 54(1), 79-112.
21. Chen, C. J. P., Su, X., Wu, X. (2005). Abnormal audit fees and the improvement of unfavorable audit opinion, *China Accounting and Finance Review*, 7, 1-28.
22. Chen, F, Francis, Jere R. and Hou, Yu.. (2018). Opinion Shopping through Same-Firm Audit Office Switches, Available at ssrn.
23. Chen, K. C., Church, B. K. (1996). Going concern opinions and the market's reaction to bankruptcy filings", *The Accounting Review*, 71, 117-128.
24. Chow, C. W., and S. J. Rice. (1982). Qualified audit opinions and auditor switching, *The Accounting Review*, 57 (2): 326-335.
25. Citron, D.B, Taffler, R.J. (1992). The audit report under going concern uncertainties: An empirical analysis, *Accounting and Business Research*, 22(88), 337-345.
26. Choi, J. H., H. Chung, C. H. Sonu, and Y. Zang. (2016). Opinion shopping to avoid going concern audit opinions and subsequent audit quality, Working Paper, Seoul National University.
27. Davidson, W.N., Jiraporn, P. and DaDalt, P. (2006). Causes and consequences of audit shopping: An analysis of auditor opinions, earnings management and auditor changes, *Quarterly Journal of Business and Economics*, 45(1&2), 69-87.
28. DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), 183–199.
29. DeAndrés, J., Cabal, E., and Fernández, C. (2007). Efectos económicos de las calificaciones de auditoría. Factores determinantes de las reacciones del mercado ante las salvedades", *Spanish Journal of Finance and Accounting*, 36 (133), 73-96.
30. Dechow, P. and Dichev, I. (2002). The quality of accruals and earnings: the role of accrual estimation errors, *The Accounting Review*, 77, 35-59.
31. Dechow, P., Ge, W. and Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences", *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3), 344-401.
32. DeFond, M.L., and Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research, *Journal of Accounting and Economics*, 58 (2-3), 275-326.
33. DeFond, M. L., Raghunandan, K., Subramanyam, K. R. (2002). Do non-audit service fees impair auditor independence? Evidence from going concern audit opinions. *Journal of Accounting Research*, 40 (4), 1247-1274.
34. Diamond D. and R. Verrecchia. (1991). Disclosure, Liquidity, and the Cost of Capital. *The Journal of Finance*, 46(4), 1325–1359.
35. Easley, D, O'Hara, M. (2004). Information and the cost of capital, *Journal of Finance*, 59(4), 1553-1583.
36. Fang, J. X., Hong, J. Q. (2008). Abnormal audit fees and their damage to audit quality, *China Accounting Review*, 6, 425-442.
37. Firth, M. (1980). A note on the impact of audit qualifications on lending and credit decisions, *Journal of Banking and Finance*, 4(3), 257-267.
38. Francis, J., LaFond, R., Olsson, P.M. and Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality, *Journal of Accounting and Economics*, 39 (2), 295-327.

39. Fleak, S. K., Wilson, E. R. (1994). The incremental information content of the going concern audit opinion, *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 9(1), 149-166.
40. Garcia Osma, B., Gill, D. A. N. B., de las Heras, Elena and Rusanescu. S. (2018). Opinion-Shopping: Firm versus Partner-Level Evidence, Available at SSRN.
41. Gassen, J. Sellhorn, T. (2006). Applying IFRS in Germany: Determinants and Consequences, *Business Research and Practice*, 58 (4), 365-386.
42. Gibbins, M., S. Salterio, and A. Webb. (2001). Evidence about auditor-client management negotiation concerning client's financial reporting, *Journal of Accounting Research*, 39 (3), 535-563.
43. Goh, L., Gupta, A. (2010). Aditi, Executive Compensation, Compensation Consultants, and Shopping for Opinion: Evidence from the UK *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 25(4), 607-643.
44. Glosten, L. and Milgrom, P. (1985). Bid-ask, and Transaction Prices in a Specialist Market with Heterogeneously Informed Traders, *Journal of Financial Economics*, 14 (1), 71-100.
45. Gu, Z. (2007). Across-sample Incomparability of R2s and Additional Evidence on Value Relevance Changes Over Time, *Journal of Business Finance and Accounting*, 34 (7-8), 1073-1098.
46. Guidry, F., A. J. Leone, and S. Rock. (1999). Earnings-based bonus plans and earnings management by business-unit managers. *Journal of Accounting and Economics* 26(1-3), 113- 142.
47. Healy, P. M. (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 7(1-3): 85-107.
48. Healy, P. and Palepu, K. (2001). Information Asymmetry, Corporate Disclosure, and the Capital Markets: a Review of the Empirical Disclosure Literature, *Journal of Accounting And Economics*, 31 (1-3), 405-440.
49. Holmstrom, B. and Tirole, J. (1993). Market Liquidity and Performance Monitoring", *Journal of Political Economy*, 101 (4), 678-709.
50. Houcinel. A. (2017). The Effect of Financial Reporting Quality on Corporate Investment Efficiency: Evidence from the Tunisian Stock Market. *Research in International Business and Finance*. 42. 321-337
51. Jarayaman, S. (2008). Earnings volatility, cash flow volatility, and informed trading, *Journal of Accounting Research*, 46(4), 809-851.
52. Krishnan, J. (1994). Auditor switching and conservatism, *The Accounting Review*, 69 (1), 200-215.
53. Krishnan, J., J. Krishnan, and R. Stephens. (1996). The simultaneous relation between auditor switching and audit opinion: An empirical analysis. *Accounting and Business Research* 26, 224-236.
54. Lu, T. (2006). Does opinion shopping impair auditor independence and audit quality?, *Journal of Accounting Research*, 44(3), 561-583.
55. Leuz, C., Nanda, D., Wysocki, P.D. (2003), "Earnings management and investor protection: an international comparison.", *Journal of Financial Economics*, 69, 505-527.
56. Lennox, C. (1998). Audit quality and auditor switching: Some lessons for policy makers, Available at SSRN.
57. Lennox, C. (2000). Do companies successfully engage in opinion shopping? Evidence from the UK, *Journal of Accounting and Economics*, 29 (3), 321-337.
58. Lennox, C. (2002). Opinion shopping and audit committees, Unpublished manuscript.
59. Lennox, C. (2003). Opinion-shopping and the role of audit committees when audit firms are dismissed: The US experience. The Institute of Chartered Accountants of Scotland, Bell and Bain Ltd, Glasgow, UK.
60. Louwers, T. (1998). The relation between going-concern opinions and the auditor's loss function. *Journal of Accounting Research*, 36(1), 143-156.

61. Louis, Henock & Sun, Amy & Urcan, Oktay. (2011). Value of Cash Holdings and Accounting Conservatism. *Contemporary Accounting Research*. 29(4), 1249-1271.
62. McKeown, J., Mutchler, J., and Hopwood, W. (1991). Towards an explanation of auditor failure to modify the audit opinions of bankrupt companies, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 10, 1-13.
63. McConnell, D.K. (1984). Auditor changes and related disagreements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 3 (2), 44-56.
64. Menon, K., Schwartz, K. (1985). Auditor switches by failing firms. *The Accounting Review* 60, 248-61.
65. Monroe, G., Teh, S. (1993). Predicting uncertainty audit qualifications in Australia using publicly available information. *Accounting and Finance* 33, 79-106.
66. Nagle, B. (1996). Audit report modifications and auditor switches. *Accounting Enquiries*, 5(2), 171-202.
67. Newton, N. J., J. S. Persellin, D. Wang, and M. S. Wilkins. (2016). Internal control opinion shopping and audit market competition. *The Accounting Review*, forthcoming. 91(2), 603-623.
68. PCAOB. (2013). Improving the transparency of audits: Proposed amendments to PCAOB auditing standards to provide disclosure in the auditor's report of certain participants in the audit. PCAOB Release 2013-009.
69. Reynolds, J. K., Francis, J.R. (2001). Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 30 (3), 375-400.
70. Sankar, M. K. Subramanyam. R. (2001). Reporting discretion and private information communication through earnings", *Journal of Accounting Research*, 39 (2), 365-386.
71. Securities and Exchange Commission. (1988). Disclosure Amendments to Regulation S-K, Form 8-K and Schedule 14A regarding changes in accountants and potential opinion shopping situations.
72. Schwartz, K.B. and K. Menon. (1985). Auditor switches by failing firms. *The Accounting Review* 60 (20): 248-261.
73. Subramanyam, K.R. (1996). The pricing of discretionary accruals, *Journal of Accounting and Economics* 22(1-3), 249-281.
74. Taffler, R., Lu, J., and Kausar, A. (2004). In denial? Stock market under reaction to going-concern audit report disclosures, *Journal of Accounting and Economics*, 38(1-3), 263-296.
75. Tang, Y. (2011). Audit fees, motivation of avoiding loss and opinion shopping, *China Finance Review International*, 1(3), 241 – 261.
76. Teoh, S. H. (1992). Auditor independence, dismissal threats, and the market reaction to auditor switches, *Journal of Accounting Research*, 30(1), 1-23.
77. Tucker, J.W. and Zarowin, P.A. (2006). Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness?, *The Accounting Review*, 81(1), 251-270.
78. Xie, Z, Cai, C, Ye, J. (2010). Abnormal Audit Fees and Audit Opinion – Further Evidence from China's Capital Market. *China Journal of Accounting Research*. 3(10), 51-70.
79. Watts, R. L. (2003). Conservatism in Accounting: Part I: Explanations and Implications", *Accounting Horizons*, 17 (3), 207-221.
80. Wu, L.S. and Tan, L. (2005). Decision of auditor change and the improvement of unfavorable audit opinion, *Audit Research*, 2, 34-40.
81. Zarowin, P. (2002). Does Income Smoothing Make Stock Prices More Informative, working papers, Stern School of Business, New York University, New York, June.
82. Zhang, J. (2008). The Contracting Benefits of Accounting Conservatism to Lenders and Borrowers, *Journal of Accounting and Economics*, 45, 27-54.